

نقّاب

گاهنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقّاب | شماره ۱۲ | هفته اول دی ماه ۱۴۰۰



در این شماره از نشریه
می‌خوانیم:

-آرامش و خوشبختی از نوع زرد

-چهار ساعت سرنوشت ساز

-نگاهی به نظام آموزشی دانمارک

فهرست

۱- آرامش و خوشبختی از نوع زرد

«بررسی کتاب‌های زرد روان‌شناسی»

۲- چهار ساعته سرنوشت ساز

«مصاحبه با دکتر درتاج ذیل کنکور سراسری»

۳- نگاهی به نظام آموزشی دانمارک

«مطالعه تطبیقی نظام آموزشی ایران و دانمارک»

کلام امام

از دانشگاه همیشه و همه جا این انتظار هست که محل جوشش و اوج دوجریان حیاتی در کشور باشد اول جریان علم و تحقیق؛ دوم جریان آرمان‌گرایی و آرمان‌خواهی‌ها و هدفگذاری‌های سیاسی و اجتماعی

۱۳۸۷/۹/۲۴

شناسنامه اثر

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه علامه طباطبایی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

مدیر مسئول: فاطمه قدیمی

سردبیر: فاطمه گلزار

ویراستار و صفحه‌آرا: فاطمه قدیمی

هیئت تحریریه: فاطمه رعنائی، فاطمه قدیمی، فاطمه

درگی

آرامش و خوشبختی از نوع زرد

فاطمه رعنائی | عضو فعال دانشکده

روانشناسی زرد چیست؟

اصطلاح زرد به معنای نگاه غیرتخصصی مطرح می‌شود. وقتی از روان‌شناسی زرد سخن می‌گوییم منظور آن است که در مورد مسائل و مشکلات زندگی راه‌حلهایی غیرعلمی و سریع ارائه دهیم. در واقع همه کتاب‌ها، سخنرانی‌ها و مطالبی که در دایره روانشناسی علمی نگنجد، زرد محسوب می‌شوند. اگر به عناوین کتاب‌های پرفروش روانشناسی موجود در بازار نگاهی بیندازیم خواهیم دید که اغلب این کتاب‌ها از همین نوع‌اند. محتواهایی که در حول مفاهیم انگیزشی، خوشبختی، موفقیت و آرامش می‌چرخند.

عواقب استفاده از کتب روان‌شناسی زرد

در شرایطی که آدمی با چالش‌ها و مشکلات مختلف زندگی دست و پنجه نرم می‌کند و به هر راهی در جهت تحقق آرامش دست می‌زنند؛ شنیدن جملاتی که دوست دارند و آسان یافتن رسیدن به رویاها و آرزوهایشان در میان کلمات، قطعاً به مزاجشان خوش می‌آید و محبوبیت این کتاب‌ها نیز می‌تواند به همین دلیل باشد. حال ممکن است این سوال در ذهن افراد بوجود آید که چه ایرادی دارد اگر انسان با خواندن کتابی احساس رضایت و خوشبختی پیدا کند حتی به غلط؟ در پاسخ به این سوال باید گفت این مطالب به صورت مقطعی حال افراد را بهتر می‌کند

و در بلندمدت موجب آسیب به خواننده خواهد شد. نکته اینجاست که این کتاب‌ها سعی دارند با بهره‌گیری از تاثیر جملات و استفاده از دام الفاظ، اصولی نادرستی را ترویج دهند؛ آن‌ها مطالب را این‌طور بیان می‌کنند که همه چیز به سرعت بهبود می‌یابد و می‌توان به راحتی به هر چیزی رسید. آن‌ها بدون توجه به حساسیت موضوع نسخه‌ای یکسان و برای تمامی افراد می‌پیچند این در حالی است که شرایط زندگی افراد باهم متفاوت است؛ در این بحث ابتدا تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر جوامع و بعد از آن تفاوت‌های آموزشی، استعداد و توانمندی‌ها نگرش، تربیت و شرایط خانوادگی مطرح می‌گردد. نکته دیگری که بسیار حائز اهمیت می‌باشد این است که اغلب محتوای این کتاب‌ها صرفاً بر اساس تجربه شخصی نویسنده از زندگی اش است و از بار



علمی چندانی برخوردار نیست.

با توجه به موارد فوق با القا شدن یک دیدگاه واحد، فرد به تدریج از واقعیت و حقایق زندگی دور خواهد شد و دچار امید کاذب می‌شود به گونه‌ای که اگر اگر به آنچه که می‌خواهد نرسد، احساس سرخوردگی می‌کند و با خود می‌گوید حتماً مشکل از من است. پس اگرچه احساس رضایت و خوشبختی بسیار لذت بخش است اما نکته‌ای که وجود دارد این است که این احساس باید مبتنی بر واقعیت‌های زندگی هرفرد باشد و منجر به نگاهی متوهمانه نشود. فردی که از دیدگاه انتقادی برخوردار نیست و بدون آگاهی و مراجعه به منابع علمی به محتوای این کتاب‌ها رجوع می‌کند به تدریج نسبت به اصل روانشناسی نیز بدبین خواهد شد و گمان خواهد کرد که این علم برایش کارساز نخواهد بود.

چه کنیم تا در این چاه زرد گرفتار نشویم؟

میزان تیر و تجدید چاپ این کتاب‌ها بیانگر تب‌تندی است که در میان مردم دارد پس در قدم اول، بحث آگاهی‌سازی عمومی مطرح می‌شود؛ اینکه بتوان محتوای شبه علم را از علم واقعی تشخیص داد. افراد باید در انتخاب کتاب‌ها تفکر نقادانه داشته و صرفاً بر اساس عناوین اغراق‌آمیز تصمیم‌گیری نکنند و ملاک‌هایی مهم‌تر همچون مشورت با افراد متخصص، کسب اطلاعات در مورد پیشینه علمی



نویسنده و میزان اعتبار ناشر را مورد توجه قرار دهند. همچنین توصیه می‌شود برای مطالعه کتاب‌های روانشناسی، کتب تألیفی در ارجحیت قرار بگیرند زیرا مؤلف، فرهنگ جامعه و شرایط حاکم بر آن را درک کرده است و متناسب با رفتارهای مردم جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند سخن می‌گوید اما در بعضی از مواقع ناشران صرفاً توجه به فنون ترجمه را کافی دانسته بدون آن که این نکته را مدنظر قرار دهند که روانشناسی با روح انسان سروکار دارد و باید به همه‌ی ابعاد محتواهایی که با این عنوان منتشر می‌شوند توجه کرد.

چهار ساعت

فاطمه قدیمی | دبیر دانشکده



به دانشگاه است. کنکور سراسری در حدود ۴ الی ۵ ساعت در هر سال یکبار برگزار می‌شود بدون اینکه متغیرهای فردی را مورد توجه قرار دهد چرا که ممکن است دانش‌آموزی ارزیابی بلند مدت برای او آسان‌تر از ارزیابی کوتاه مدت باشد و با شرکت در آزمون کنکور نه تنها دچار استرس بسیار زیاد شود بلکه استعدادهایش نیز شناسایی نشود. درواقع مدت‌ها است ما به دنبال این هستیم که ارزیابی‌های بلند مدت جایگزین ارزیابی‌های کوتاه مدت شود اما هیچ وقت این اتفاق نیفتاد. به نظر من علت این امر مشکل ساختاری هست که ما داریم. آموزش یک امر پیوسته است و باید زیر نظر یک متولی باشد در صورتی که در کشور ما اینگونه نیست و به همین دلیل است که ما نمی‌توانیم خودمان را با وزارت آموزش و پرورش تطبیق دهیم و به نتایج آن‌ها اطمینان کنیم.

نظر شما در رابطه با برگزاری کنکور دوبار در سال چیست؟

به نظر من این نکته، نکته مثبتی است، در همه جای دنیا آزمون‌های مختلفی در هر فصل برگزار می‌شود چرا که اگر در یک زمان دانش‌آموزی شرایط شرکت در یک آزمون را نداشت بتواند در فصل بعدی در آن آزمون شرکت کند اما ما زمانی که کنکور را یکبار در سال برگزار کنیم در واقع به ان عظمت داده‌ایم و این باعث می‌شود که استرس دانش‌آموزان بالا برود و حتی گاهی اوقات می‌بینیم که بعد از آزمون کنکور و اعلام نتایج چندین نفر خودکشی می‌کنند چرا که اکثر افراد فکر می‌کنند تنها راه رسیدن به موفقیت کنکور است. پس واقعیت این است

سرنوشت ساز!

که ما کنکور را فقط برای ابهت خودمان برگزار می‌کنیم بدون اینکه به این نکته توجه کنیم که این نوع آزمون انحصار ایجاد می‌کند و پیامد آن هم شکل‌گیری انواع تخلفات است. آیا وجود زیرساخت مناسب مانند سیستم استعدادیابی درست و نگارش کتب درسی کاربردی بر سیستم سنجش و پذیرش ما تاثیرگذار است؟

آن چیزی که بیشترین اهمیت را در تصحیح سیستم سنجش و پذیرش ما دارد داشتن قدرت تنفیذ اختیار و سپردن این امر به دانشگاه‌ها است به‌گونه‌ای که دانشگاه‌ها بر اساس صلاح‌دید خودشان دانشجو جذب کنند چون این امر علاوه بر اینکه مسئولیت‌پذیری در اساتید را افزایش می‌دهد باعث می‌شود فرآیند جذب بهتر صورت گیرد چرا که اعضای هیئت علمی یک دانشگاه خیلی بهتر از سازمان سنجش می‌توانند استعداد دانش‌آموزان را شناسایی کنند. اگرچه با مطرح شدن این مسئله عده‌ی زیادی خواهند گفت که این امر موجب فامیل بازی در دانشگاه‌ها می‌شود اما باید این را مدنظر قرار داد که برای یک دانشگاه سطح علمی آن از هر چیزی مهم‌تر است و با جذب دانشجو ضعیف رنکیگ دانشگاه پایین خواهد آمد. نکته دیگری که علاوه بر نظارت بر کار معلمان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است محتوا کتب درسی است. استفاده از یک کتاب واحد برای چندین میلیون دانش‌آموز باعث سرکوب کردن خلاقیت بچه‌ها و به بار آمدن فاجعه می‌شود چون آن‌ها هیچ سودی برای دانش‌آموز ندارد و صرفاً باعث می‌شود که موسسات کنکوری مختلفی روی کار بیایند و به نظام آموزشی ما آسیب بزنند و چه بسا از

زمانی که فعالیت این موسسات پررنگ‌تر شده میانگین نمرات دانش‌آموزان در کنکور هم کاهش یافته است.

آیا تخصیص ۶۰ درصد پذیرش به امتحانات نهایی در اصلاح نظام پذیرش موثر خواهد بود؟

من از این جهت که این امر اهمیت کنکور را کم می‌کند با آن موافق هستم. اگرچه تخصیص ۶۰ درصد از همان ابتدا به آزمون امتحانات نهایی با توجه به وضعیتی که آموزش و پرورش برای برگزاری امتحانات نهایی دارد و عدم اطمینان افراد به این آزمون‌ها خیلی جالب به نظر نمی‌رسد اما نکته‌ای که وجود دارد این است که این‌ها عوارض کوتاه مدت این امر هستند و در درازمدت نتایج متفاوتی خواهد داشت که البته در طول این مدت آموزش و پرورش هم باید به سمتی برود که سوالات خود را استانداردسازی کند و از میزان خطاها و مشکلات موجود بکاهد. پیشنهاد شما برای داشتن یک نظام پذیرش مطلوب چیست؟

پیشنهاد من برای پذیرش دانشجو این است که این پذیرش توسط دانشگاه‌ها صورت گیرد و اعضای هیئت علمی دانشجویان خود را جذب کنند؛ در همین رابطه من به هیئت رئیسه دانشگاه علامه طباطبایی پیشنهاد کردم که حتی یک دانش‌آموز هم از کنکور سراسری پذیرش نداشته باشند چرا که دانشگاه علامه هیئت ممیزه مستقل دارد و می‌تواند این کار را انجام دهد. پس از آن دانشگاه با شرکت‌های خصوصی و نهادهای مختلف قرار داد ببندد و در واقع روند به صورتی پیش رود که ما هزینه را از بخش خصوصی و نهادهای مختلف یا همان کارفرما دریافت کنیم و به آن‌ها نیروی متخصص بدهیم.



نگاهی به نظام آموزشی دانمارک

در مقایسه با ایران

فاطمه درگی | عضو فعال دانشکده

نظام آموزشی دانمارک، نظامی پیشرو و دارای رتبه ۱۱ جهانی است. مهم‌ترین امری که در این نظام حائز اهمیت است این است که دانش‌آموزان را به درکی می‌رساند که همه شبیه به هم نیستند و هر کس ویژگی منحصر به فرد خود را دارد.

فضای آموزشی

در نظام آموزش و پرورش دانمارک برخلاف نظام آموزشی ایران که به دلیل جو سنگین حاکم در مدارس اغلب دانش‌آموزان اشتیاقی برای رفتن به مدرسه ندارند، تلاش می‌شود تا فضای آموزشی، فضایی امن و خوشایند برای دانش‌آموزان باشد و دانش‌آموزان نهایت لذت را از آن ببرند.

نظام آموزشی دانمارک مانند نظام آموزشی ایران شامل: پیش دبستان، ۶ سال دوره ابتدایی، ۶ سال دوره متوسطه (۳ سال دوره اول متوسطه و ۳ سال دوره دوم متوسطه) و در نهایت آموزش عالی است که از سنین ۱ تا ۶ سالگی دوره

ساختار نظام آموزشی

آینده شغلی دانش‌آموزان

دانمارک کشوری با جمعیت کم و ثروت فراوان است به همین جهت اصولاً دانش‌آموزان این کشور مشکلی برای پیدا کردن شغل ندارند و این امر باعث شده است دغدغه دانش‌آموزان دانمارکی با دغدغه دانش‌آموزان ایرانی متفاوت باشد، در ایران تنها راه رسیدن به موفقیت و کسب شغل، قبولی در دانشگاه است اما در دانمارک دانش‌آموزان براساس علاقه خود انتخاب می‌کنند به تحصیل در دانشگاه بپردازند یا خیر و چه بسا بسیاری از آن‌ها مسیرهای دیگری به غیر از دانشگاه را برای رسیدن به موفقیت

انتخاب می‌کنند.

معضل حفظیات در ایران

یکی از اشتباهات آموزش و پرورش ایران، از عصر پهلوی تا عصر حاضر، تمرکز بر حفظیات است؛ آن هم حفظ اطلاعاتی که هیچ دردی را دوا نمی‌کند! بنابراین بچه‌های ما به جای کسب مهارت‌های زندگی و اخلاقی، جدول مندلیف را حفظ می‌کنند، انتگرال دو گانه را گاهی ذهنی محاسبه می‌کنند و معادل فارسی هزاران کلمه انگلیسی و عربی و تاریخ تولد و مرگ صدها شاعر، نویسنده، سیاستمدار و کتاب‌های معروف را می‌دانند!



بهترین شکل استفاده کنند. به این ترتیب این نوع ارزشیابی به پیشرفت دانش آموزان کمک می‌کند. در صورتی که در ایران ارزشیابی از دوره متوسطه اول به صورت کمی صورت می‌گیرد که این امر با مشکلات فراوانی از جمله گلچین کردن عده خاصی از دانش‌آموزان و عدم اهمیت به عده زیادی از آن‌ها می‌شود.

در پایان باید توجه داشت که هدف از معرفی نظام آموزشی کشور دانمارک و مقایسه آن با نظام آموزشی ایران، آگاهی از نقاط ضعف و قوت نظام‌های آموزشی در جهان است؛ که در نهایت این آگاهی منجر به بهبود نقاط ضعف و استفاده از تجربیات نظام‌های آموزشی پیشرو می‌شود.



جامعه را در آنان تقویت کند و خلاقیت، تفکر انتقادی، احترام به خود و ابتکار عمل را نیز به آن‌ها بیاموزد. اما متأسفانه در ایران دانش آموزان از اول ابتدایی باید تمام تلاش خود را به کار گیرند و یا حتی از کلاس تقویتی استفاده کنند تا مباحث درسی را به نحو احسن یاد بگیرند. زیرا در مدارس ما هدف پرورش و تربیت دانش آموزان نیست؛ بلکه هدف، آماده سازی دانش آموزان برای کنکور است تا بتوانند وارد دانشگاه معتبر شوند

نظام ارزشیابی

در نظام آموزشی دانمارک، برای دانش آموزان زیر ۱۳ سال ارزیابی کمی صوت نمی‌گیرد و دانش‌آموزان بر طبق نمره ارزشیابی نمی‌شوند. درواقع ارزشیابی عمیق‌تری مد نظر نظام آموزش دانمارک است و این روش از روش ارزشیابی کلاسیک مفیدتر است چرا که این نوع ارزشیابی صرفاً یک عدد است و اعمال آن باعث سلب آرامش در دانش آموزان می‌شود. بنابراین عدم استفاده از ارزشیابی کلاسیک به جای استرس و اضطراب، تمرکز بر این است که چگونه از فرصتی که در اختیار دارند به

بنا نهاده شده است به گونه‌ای که معلم در فرآیند تدریس درباره‌ی موضوع مشخصی شک آفرینی می‌کند تا دانش آموزان هر یک رأی و نظر خود را ابراز کنند. درواقع معلم با این کار کمک می‌کند تا انگیزه آنان را برای یادگیری بیشتر کند. در این فرآیند حفظ کردن مطالب درسی اهمیت ناچیزی دارد.

خودشناسی و رشد مهم‌تر از خواندن و نوشتن

بر اساس قانون مدارس دانمارک، مدرسه فقط مسئولیت آموزش مهارت‌های اولیه یعنی خواندن و نوشتن به دانش‌آموزان را ندارد، بلکه باید به آن‌ها برای کسب و داشتن یک شخصیت قوی، چند بعدی و گسترده کمک کنند. در این کشور آموزش‌های اجتماعی و مهارت‌های زندگی از سنین پایین برای دانش آموزان شروع می‌شود. این هدف حتی پیش از ورود به مدرسه و در پیش دبستان‌ها و مهدکودک‌های این کشور دنبال می‌شود بصورتی که مربی مهد کودک قبل از

صرف حفظ کردن و عدم مشارکت در یادگیری، ماحصلش مدیرانی می‌شوند که فرهنگ کار مشارکتی و خرد جمعی را از مدرسه یاد نگرفته‌اند. آن‌ها فقط آموخته‌اند که سکوت کنند، حفظ کنند، جواب دهند و تمام! بنابراین چیزی که در ایران معنی ندارد، فرهنگ کار مشارکتی مبتنی بر تصمیم‌گیری گروهی است که همه این‌ها حاصل از کمبود وجود پرسش و نقد در مدارس و تقلیدی بودن نظام آموزشی ما است.

علیرغم نظام آموزشی ایران که مهم‌ترین سطح یادگیری، دانش است، در مدارس دانمارک دانش‌آموزان خود باید در جست‌وجوی اطلاعات باشند تا تجارب خاص خودشان را به دست آورند و منابع را با استقلال و با تکیه بر شخصیت خود تحلیل کنند. در این مدارس تدریس فعال حاکم است و دانش آموزان صرفاً نقش گوش‌دهندگان را ایفا نمی‌کنند همچنین آموزش بر پایه پرسش و پاسخ و شک افکنی



